

برخیان ایران شبنامه‌ای نویافته از مشروعه‌خواهان شیراز

کوروش نوروزمرادی

برخیان ایران شبنامه‌ای نویافته است که در یک صفحه ژلاتینی در شیراز انتشار یافته است. تاریخ نشر آن مربوط می‌شود به اوایل دوره محمدعلی شاه قاجار. زمانی که هنوز پادشاه به مخالفت با مجلس برنخواسته و مشروطه‌خواهی نیز در مسیر موافق جریان حرکت جامعه آن روزگار به شمار می‌آمد. آنچه از محتوای این شبنامه روشن است انتشار دهندگان آن از فعالان مشروطه طلب مشروعه خواه بوده‌اند. بنابراین می‌توان این اثر را پس از روزنامه شیخ فضل... که در سالهای ۱۳۲۵ قمری در شاه عبدالعظیم (شهرری) منتشر می‌شد، دومین نشریه مشروطه طلب مشروعه خواه تلقی کرد، با این تفاوت که اندیشه‌های مشروعه‌خواهی شیخ فضل... نوری بصورت علنی و آزادانه چاپ و انتشار داده می‌شد و در واقع بلندگو و محمل رسانه‌ای تبیین اندیشه‌های مشروعه‌خواهی روزنامه «در زاویه حضرت عبدالعظیم طبع گردیده است...» مشهور به روزنامه شیخ فضل الله دانست. اما شبنامه برخیان ایران توسط برخیان شیراز بصورت زیرزمینی و مخفی طبع و نشر می‌گردید. آنچه از نمره موجود (دوم) این نشریه بر می‌آید، انتشار دهندگان اصلی آن انجمن مقدس اسلامی بوده‌اند که گویا در اوایل دوره مشروطیت (۱۳۲۵ قمری) در شیراز فعالیت می‌کردند. انتشار این ورق از شبنامه سه نکته تازه‌ای را روشن می‌کند که تاکنون مغفول مانده بود:

۱. انجمنی به نام انجمن مقدس اسلامی که در شیراز فعال بود و نام و نشانی از آن در تحقیقات منتشره درخصوص انجمن‌های عصر مشروطه پیش از این نیامده و هم‌اکنون در این شبنامه با هویت و روش عملی مشخص، شناسایی می‌شود.

۲. سابقه‌ای نو از شبنامه نگاری و ژلاتین پراکنی در شیراز که نشان می‌دهد شبنامه نویسی فقط مختص شهرهای تهران و تبریز و خطه شمال نبوده و گستره آن از شمال تا به جنوب ایران ادامه داشته است زیرا

آنچه را که نگارنده طی سالهای اخیر در جمع‌آوری و نشر شبنامه‌ها نموده‌ام، این ورق نخستین شبنامه‌ای است که در این سامان یافته‌ام.

۳. بازیابی و شناسایی روزنامه مشروطه‌خواهی بنام **برات آزادی** که در دوره مشروطه در شیراز منتشر می‌شد و تاکنون از زیر چشم پژوهشگران و مورخین تاریخ مطبوعات پنهان مانده است. نویافته‌ای که تصویری از آن تاکنون در آرشیوی دیده نشده است. باشد که شماره‌ای از آن روزگاری پیدا شود تا بخشی از تاریخ مشروطیت آن حوالی از آن روزنامه قابل توجه استخراج گردد.

اصل ورق ژلاتینی فوق در مجموعه نمره ۱۴۸۰ اسناد خطی کتابخانه سنا ایران، در میان اسناد عین‌الدوله موجود است.

برخیان ایران

نمره ۲

محل توزیع در انجمن مقدس اسلامی

برای رفع ظلم و دفع مستبد

هیجدهم شهر صفر سنه ۱۳۲۵

جرئت جرئت جرئت

قیمت اشتراک در تمام عالم یک جو غیرت است

اخبار مُراسلات به عنوان برخیان بواسطه اعلان خواهد بود چون هنوز دستورالعمل و لوازم کار از مرکز نرسیده و این آیینۀ عیب‌نما هفته‌ای یکمرتبه طبع و توزیع می‌شود پس از وصول اسباب هفته‌ای دو مرتبه و یک ورق...

همکار محترم ما مدیر و نویسنده برات آزادی، هر هفته در ورقه شریفه **برات آزادی** مسائل عادیۀ و مطالب مأنوسه این مملکت را می‌نویسد عقیده ما این است باید چاره رفع ظلم و علاج دفع استبداد را نوشت ما در دو کلمه چاره را می‌نویسیم باید انسان حقوق انسانیت و آدمیت را از دست نهد چنانچه حضرت مولی الموالی فرموده مظلوم قبول ظلم نکند.

بگیتی نباشد بتر زین بدی جفا بردن از دست همچون خودی

پول مُستبدین زبان بند واعظین

آنانکه بصد زبان سخن می‌گفتند آیا چه گرفتند که خواموش [کذا] شدند

بعضی از آقایان مُعظم و واعظین محترم در عُشر ثانی و ثالث مُحترم در مجالس و منابر سوء اعمال مستبدین و ظلام را شرح می‌دادند و نعمت آزادی و مشروطیت را بیان می‌کردند چندیست چنان خفته‌اند که گویی مرده‌اند.

البته مستبدین دعای زبان بند را بکار برده‌اند چنانچه من بعد از اظهار کلمه حقۀ مضایقه نماینده ما از ریختن خون آنها دریغ نمی‌کنیم و تکلیف خود را به جا می‌آوریم.

خویی بد بر طبیعتی که نشست
 نرود تا به وقت مرگ از دست

از آقایان علماء اعلام و اعیان و اشراف و کسبه بانصاف شیراز محترماً سؤال می‌کنیم آیا ممکن است گرگ شسانی نماید آیا ممکن است آتش نسوزاند اما ممکن است مُستبدین دست از ظلم و جور بردارند آیا ممکن است کسی که چندین سال خود و بستگانش در یک مملکت به ظلم و جور مال اندوخته، راضی شود در محکمهٔ مُحکمه عدالت با پست‌تر از خود مساوی و به حکم محکم شریعت مطهره گردن نهد و تمام قدرت را از خود سلب کند، حاشا و کلا محال است محال.

ظلم از کف ظالم بنصیحت بتوان برد
 گر رنگ توان کرد بسی از رخ رنگی

بقیه دارد.

قابل توجه انجمن مقدّس اسلامی

در چند موقع که انجمن مقدّس اسلامی تشکیل یافته خبرنگار ما حاضر بود آنچه را که فهمیده و یقین قطع داریم علماء اعلام خاصه چند نفر از آنها با نهایت غیرت و وطن پرست در پیشرفت مشروطه و ترویج شریعت منوره حاضرند. اگر تاکنون مقاصد مقدّسه انجمن محترم اسلامی پیش نرفته علت از خودشان بوده گویا مستبدین و ظلام تدابیر خود را از پیش برده بلطایف الحیل قلوب بعضی را مأخوذ نموده بهستی مطلق که اگر فهمیدیم خیال خیانت به وطن مقدّس که مادر حقیقی آنهاست دارند که دست انتقام الهی هستیم، دمار از روزگارشان درمی‌آوریم.

أَنَّ بَعْضَ الظَّنِّ ائِم

جناب آقامیرزا ابراهیم از نمره اول آئینه عیب‌نما فی الجملة رنجیده و در انجمن محترم اسلامی اظهار گله و همراهی به اساس مشروعهٔ مشروطه فرموده بودند ما از نگارش مطلب راجع به ایشان مقصودی نداشتیم چون مُخبر غیبی ما خبر داد غالب از شبها در منزل حاجی میرزا احمد لاری با مستبدین مُلاقات می‌نمایند به گمان افتادیم حالا که در انجمن مقدّس اسلامی از ظالمین تبری جُسته و اظهار همراهی از انجمن اسلامی و مظلومین فرمودند ما نهایت اطمینان را از مساعدت ایشان داریم در ظاهرشان عیب نمی‌بینم در باطنشان غیب نمی‌دانیم.

تلگراف احوال العین بن نجس العین بسلطنت مستبده

حجج الاسلام طهران تلگرافی به حجج الاسلام شیراز کرده‌اند موافق مقصود کار مخلصه نسخه مجریت دفع ظلم مذهب غیرت حریت اتحاد وطن پرستی.

برخیان شیراز

برخیان ایران

برای بخشیدن و منع سب و استهزاء
برت حرمت و حرمت

مسئله توبه و غیره حدس است
چون حدس شده است
قبیل شد که در علم و کتب غیرت است

چنانچه سب و استهزاء و غیره از آن جهت که در این حدس است و توبه پس از این حدس است و سب و استهزاء

است که اگر مکرر مکرر نویسد بر آرای برود و در حدس شریف برت
از آری سال و ادب و مطالب از سب این حکمت را نویسد عقیده از این است
باید چاره بیرون غم و غم سب و استهزاء نوشت ما در دو کلمه چاره از سب
باید احسان توفیق آسانیت و اومیت را از دست نماند چنانچه حضرت
مولی المانی است نموده مظلوم مسئول ظلم کند بچستی نباشد تیر
ازین بی بی خبا برود از دست سپهر خودی
پول ستیدین زبان بد و چنین
آنکه بجهت زبان سخن میگوید آیا چه گرفته که خود خویش شده اند
بعضی از آقایان بختهم و او چنین مکرر و عشق آبی و االث محرم و باال
و سب بر سر او اعمال ستیدین و ظلم را شرح میداند و نیت از آوی
و شرو طیت را چنان میگردد چندیست چنان شده که گوی برود اند
بسته ستیدین و حامی زبان بد را بجا برود چنانچه چهره بعد از اظلم
نقد مضایقه نمایند ما از سخن چون است و این بگفتیم و تکلیف خود را
خوبی به طلبی می گشت زود از وقت مرگ از دست
از آقایان محترم و احسان و شرف و سبیه بهانه شرفی که سب و استهزاء
آیا ممکن است که سب یا نماند یا اگر است تهرسن نماند اما ممکن است سب
دست از ظلم و جور بر آید اما ممکن است که پند سال خود و گنجش در
کین حکمت بظلم و جور مال از دست راضی شود و ممکن است که عدالت بایستد
از خود سدی و بلکه حکم شریعت هم برود اند و تمام قدرت از خود سب
حاکم و کلام است حال ظلم از طرف ظلم نصیحت بجا برود که اگر کسی
بسی از آن است

قابل توجه این سخن است
در چند مورد که از حدس است سب و استهزاء در حدس نگار ما خبر بود آنچه که حدس
و تفسیر قطع داریم علماء اعظم خاصه خود تقریر از ما با نهایت غیرت و دلگیری
در شرف مشروطه در شرح شریعت مکرر و خبر داد که اگر ما کون مخصصه شده
این سخن مکرر سب و استهزاء از خود نشان بوده کوی استبدان
و ظلم تمام هر خود را از پیش برده بطایف انیس قوت بعضی
ما خود نموده اند بهستی سب و استهزاء که اگر فیسیم خیال خیاره چنین
شخصی که با وجودی از ما است و از ما که دست هشتم انقیادیم
و ما از روزگار نشان دوری آوریم
این بعضی از این است
جناب آقا میرزا اجبرسیم از زود اول این حدس مافی کجور بخنده
و در حدس مکرر سب و استهزاء نگار که کسرا می با ساس شده و مشروطه
نمونه نموده بودند ما از نگارش مطلب را بنده با این مقصود است
چون خبر فیس ما بنده او غالب از شمس و منزل حاجی میرزا احمد را می
باشند این حدس را بنمایند بجان خفت و ایم حدس که در حدس مکرر سب و استهزاء
از طریقین شریعتی بسته و انجلا سب و استهزاء از حدس سب و استهزاء
ما نهایت لطیفان را از سعادت ایشان و در حدس و ظلم ایشان چپ نمی بینیم
اظهارشان غیبت نمیدانیم
تکرات اول حدس مکرر سب و استهزاء است
حج اسلام حدس مکرر که کلام حدس مکرر که در حدس مکرر سب و استهزاء
حدس مکرر سب و استهزاء در حدس مکرر سب و استهزاء

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱ / تابستان ۱۳۸۹

دو نامه به کتابخانه مجلس

ماهانه نامه‌های گوناگونی از پژوهشگران، مراجعین و اربابان حوزه کتاب و فرهنگ به کتابخانه می‌رسد که بعضی در جهت ارتقاء و بهبود وضعیت جاری این مرکز و بعضی به تشویق و ترقیب راهی را که در پیش گرفته‌ایم،... در زیر دو نمونه آنرا به یادگار منتشر می‌کنیم.

سرور و باریان مجید سرت «بلاستان» (طاه ۷) حیدر دلم روشن رسالت با قدرتی و توان
 در آنکه تفریح در صنایع زیرین و دلپذیرش و تمام را تازه داشتیم، دست مرزاد که «در مازنین باغبی
 می‌برد / تازه شرازمانه‌ها برسد» مجیده رسیده‌ها، بار داشته، حاصله با این عجم غلیم که بیایا محضی
 تاخر است و سخته و سخته در این مدرت کرمه، راستی را هم کوه دس و ملاشی عظیم ما خواهد.
 اینده در کنار شنه نرسیده بسیار، کما بلا پرومرا بی ار سینه، سخته برگردانی ستر است که
 تا کوراک است که ستر سترهای زمین مایه‌های دانشی ما را برنجی ما چیه سان پرومیر برگرد
 است و آرد دانشی صحت و کلمه و فقهی اسنوار و کشتی کوفته و واهی و الا «به قدر راه» باشد
 هاده پیش قران مرا که عرضده و ستر ما، فذ «است و بیایا محضی» غلیم و «کدبر کو»
 سطر را
 تراقم این که حقیقتی در میراث کتوب، یافتن و فراندن و کما و دل را با ذراوان در کتوبینی تازه داشتن
 دلشوی مسئله یا مسئله اصلی که مسئله است بیان سال بر او است کتوبین اندیزه ستر ستر
 برای خیره است تاخر و بیاهت. دست فرزند و ستر و کتوبس و بی بی بیل مادر عرصه و ستر و کتوبس
 با همت کوه و ستر به اندیزه دانش زود، و کتوبین ما عانه کتوبین تعامل با میان زمین کتوب و ستره یا انور
 و سکن در این جاست که کتوبین ستر این تلاش میرسد آوردن این فرا اندیزه است و -
 کتوبین
 ستره برای آنکه کتوبین مشکل ستر را، نه ادیم، و مانده ستره برای کتوبین، کتوبین و ادیم ستره کرده اند
 و بیان اندیشه اند، جای هیچ کتوبین ستره اندیزه در کتوب ستره، امر کتوبین، ستره
 و کتوبین در اختیار اندیزه، چوب لای چرم کتوبین و... است. است و کتوبین خیل است
 کتوبین و وادی حضرت عجزون کتوبین علمان و کتوبین ستره ان و کتوبین ستره ان را ستره ان ستره است

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

نامه‌ای از آقای مهدوی راد به پیام بهارستان

و آنرا که دست از نزدیک برآتش داشته اند فرزند گران است که اگر سنجیده‌ایم فزاید به‌لایس
 در اختیار دارند و آرم به آنگاه می‌سند، سنی و... هر چه در این کتابخانه نیاز دارند به‌سختی
 آنگاه می‌سنگرسند مسئول کتابخانه به آسان بی‌ان دست می‌مانند... بدایع مسئول آنگاه کتابخانه
 بر این باور است که میراث فرهنگی کشور از آن است که از این بهره‌گیری از آن را دارند
 و دیدار کشیدن به بهای نه‌های واقعی «تایس بردن» زندانی کردن خلاف هدف و افعان
 و در تضاد با اندیشه و ضرورت گسترش فرهنگ و دانش است... باید نامه آنچه در «روزنامه»
 کتابخانه خاک مافوق و شتاب بی‌لزوم در اختیار عالمان و محققان و جستجوگران دانش
 و پژوهشگران قرار گیرد تا با بازخوانی و سنجش و تحقیق و تفسیر آن‌ها هم‌دست واقع گردید و هم
 میراث مکتوب کشور را در گنجینه‌ها...

انتهی بی‌ساز لایحه از آنجا که کار در عرصه
 حضرت هجرتان و به‌گونه در گذر سینه به‌سینه
 پیام‌ها نشان ۷۷ و در میان ادیان
 به‌فان آنگاه ۱۰ اسید وارم این‌گونه
 بیاید و کتابی این‌ها میراث و لا
 و از طرف مکتوب کشور عزیز ما را مطالعه فرمایید
 آنگاه فرستید به
 عمده و کرده و الهام از آید
 محمد علی مهدوی راد

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

پیام خدا

جناب آقای دکتر رسول جعفریان

ریاست محترم انجمن تخصصی و پژوهشی مجلس شورای اسلامی

باسلام و عرض ادب؛ آنجایی که در زین نامه چند مطلب است به منظور تشکر از محبتها و الطافها حضرتعالی و همکاران محترمانه در حقیقت اینجانب در مدت دو هفته اگر اعتبار استناد لازم آنجا را معطی با راستی ام، اعمال نموده ام. اینجانب علاوه بر آن بجای آنجلس، به برائت تحقیقاتی و آرسوهای دیگر نظر کرده ام. علی این بجای آنکه در این نامه تمام، سازمان اسناد ملی ایران و آرسو اسناد وزارت امور خارجه نیز مراعات کرده است. ولی به برائت و صداقت اعتراف می کنم که تمام در آن بجای آنجلس؛ بروی گفتم و درستی باز از این محترم است. به هر منبعی که دسترسی که احتیاج داشتم به آسانی دست یافتم و حتی در موردی که کمالات محترم آنجا را منع می کرد نیز به من معرفی کردند و با حسن نیت و وسعت صدر کسی درستی نیز از آنجا دریافت کردم که از این جهت قابل از هر چیزی به لطف عنایتی که آنجا جناب به تحقیقات در زمینه تاریخ فرهنگ و تمدن ایران دارد محبت و پذیرش و اینجانب در این خصوص و مدار محبتهای شما می دانم. در ادامه اجازه می خواهم از همکاری معاونت محترم قضا سرکار خانم عبدالعسی، مدیر محترم مرکز اسناد جناب آقای طهری و همکارانش، مدیر محترم بخش حمل جناب آقای مدداری و همکارانش، مدیر محترم بخش اسکن جناب آقای مدداری و همکارانش که در مدت کوتاهی بهترین خدمات را با یک در دست گرداند، تشکر کنم. سرکار خانم یوسفی نیاید با سرعتمی بود که در این حاصل تحقیقات خود را در خصوص انجمن ایالتی تبریز در اختیار گذاشتند که با داده همین جا از ایشان قدر دانی تمام. خانمهای نعلی قاز، علوهی و سرپرست محترم بخش نشر خانم دکتر حمید و همکارانش هم بجز آنجا محمد فاطمه نژاد را هم نامشما بسیار سفید در این متن برای از اسناد و مجلات نمودند که از همه آنها بسیار سپاسگزارم.

به عنوان یک محقق متعمق خارج از کشور که هم می دانم این نکته را می توانم بگویم که در مدت این دو هفته که در آن بجای آنجلس تحقیق می کردم، در بسیار از موارد این نکته را یاد می آوردم و تراز آن بجای آنجا را می توانم بگویم.

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

نامه آقای محمدنادر نصیری مقدم از استراسبورگ به کتابخانه مجلس

بی دقت و حفا را نشان بر آن سبیل هر چه بیشتر تحقیق و در اختیار نهادن پیش از این است و ضایع
 چه به صورت اسکن در محل و چه به صورت دیجیتال در پایگاه اینترنتی آن که بجا نماند اقدام سرگ و قابل
 ملاحظه است که نام کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی را پیش از این بر سر زبانها آورده است. در تمام
 ملاحظاتی که من در این مدت گوشه افاتم در ایران با اسناد دانشگاهها و محققان داشتم، بارها شنیدم که اکثر اسناد
 به اتفاق این کتابخانه نظیر اسکن و در اسکنها، اسناد ارجح است و... (سوال نموده بود از این
 دو نام بسته به حکم) با ذکر انقلاب فکر علی که حضرتعالی در کتابخانه ایجاد کرده اید، به این مطلب از جانب
 در حال حاضر کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی بهترین و مکتوبترین خدمات را به محققان ارائه می نماید. مطمئن
 که این مطلب را اینجانب به شما هم در دانشگاه اسناد اسکن کرده است. منتقل خواهم کرد و در اینجانب دو نام را ابراز می
 و محققان دوست داشته و نمونه خادمان را اسکن خواهم کرد تا با پایگاه اینترنتی کتابخانه مجلس شورای اسلامی از
 نسخ خطی که به صورت دیجیتال در اختیار خود قرار گرفته بهره مند شوند.

اجازه بفرمائید این فکر نامه را با ذکر این نکته بر بیان کنم که از امروز به خود رضی که دارم در جهت هر چه بیشتر
 شناخته شدن کتابخانه معظم من در زمینه و در صورت امکان حتی تر کنم متوجه ضایع آن کتابخانه می باشم پس
 کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در دانشگاه اسناد اسکن کرده و بپوشه کتابخانه من شهر اسناد اسکن کرده و در این نسخ خطی
 ناسا معرفی می باشد. همچنین همانطور که قبلاً نیز عرض شد، به دیرینه منت قول کردم که این مس با نشر
 مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ارتباط علی نگاهتگی برقرار نموده، مطالبی که اهدا است مورد توجه آنجا است و اینست
 قرار کرد بر آن حساب و انت را تقدیم کن بجا نماند نام.

با کمال احترام و تقدیر و در آخر اینجانب را در اینجانب
 به همراه محمد نصیری
 محمد نصیری

پیام بهارستان / ۲۰، ش ۸ / تابستان ۱۳۸۹